

پاسخ به تاریخ

— محمدرضا پهلوی

متن اصلی منتشر شده در اروپا
و آمریکا با حواشی و توضیحات

www.ketab.ir

شهریار ماکان



نستیم ماهریس

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه / محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ۱۳۵۹-۱۳۹۸.

عنوان / پاسخ به تاریخ

مشخصات نشر / تهران: ماهریس، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری / ۵۱۲ ص.

شابک / ۷-۶۵-۶۹۳۳-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی / فیبا

یادداشت / کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع / محمدرضا پهلوی، شاه ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۲۰

Mohammad Reza Pahlavi, Shahanshah of Iran - History - Pahlavi, 1941-1978

شناسه افزوده / ماکان، شهریار، ۱۳۲۱ [گردآورنده؛ مترجم]

رده‌بندی کنگره / ۱۵۰۰ DSR

رده‌بندی دیویی / ۸۲۴۰۹۲/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی / ۷۳۷۸۶۴۱



نشر ماهریس

اینجانب شهریار ماکان، مترجم کتاب «پاسخ به تاریخ»، طی قرارداد حقوقی متقن با نشر ماهریس، کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر را در اختیار نشر مذکور قرار داده و ناشر محترم نیز کلیه مجوزهای قانونی این اثر را از مراجع ذیصلاح دریافت نموده، لذا بعد از این تاریخ، نشر ماهریس تنها مرجع چاپ و توزیع این اثر خواهد بود. بدین گونه هر ناشر دیگری که اقدام به هر نوع چاپ یا توزیع این اثر نماید، توسط مراجع قضایی مورد پیگیری قانونی ناشر و مترجم قرار خواهد گرفت.

www.ketab.ir

عنوان کتاب	: پاسخ به تاریخ
نویسنده	: محمدرضا پهلوی
ترجمه و گردآوری	: شهریار ماکان
طراحی و تولید	: آتلیه ماهریس
طراح جلد	: محمدباقر جاوید
چاپ و صحافی	: هوران
چاپ اول	: ۱۴۰۰
شمارگان	: ۵۰۰ نسخه
قیمت	: ۱۱۰,۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی

میدان انقلاب؛ خیابان کارگر جنوبی؛ تقاطع لبافی نژاد؛ شماره ۲۶۶
تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۸۲۱۵۰

www.nashrmahris.com
@nashremahris
@ketabfarhang

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۷	پیشگفتار
۲۹	دیباچه
۳۳	قسمت یکم: از ایران دیروز تا ایران امروز
۳۵	فصل یکم: درس‌هایی از گذشته
۴۷	فصل دوم: از توانایی تا بندگی
۵۵	فصل سوم: راه هند و نفت
۶۳	قسمت دوم: سلسله پهلوی، نجات و وحدت ایران
۶۵	فصل یکم: پدرم، رضاشاه کبیر
۸۵	فصل دوم: «فرزندم، هرگز از هیچ چیز هراس مکن»
۱۰۱	فصل سوم: برنامه هفت‌ساله مصدق و دوران عوام‌فریبی‌ها!
۱۳۱	فصل چهارم: از عصر نفت تا دوران اتم
۱۴۹	قسمت سوم: انقلاب سفید
۱۵۱	فصل یکم: مبانی انقلاب سفید
۱۵۹	فصل دوم: اصلاحات ارضی
۱۶۹	فصل سوم: اقدامات سپاه دانش، سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی
۱۸۱	فصل چهارم: انقلاب سفید و کارگران

۱۹۵	فصل پنجم: انقلاب در دستگاه قضاوت
۲۰۱	فصل ششم: انقلاب آموزشی و اصلاحات فرهنگی
۲۰۹	فصل هفتم: کوشش برای انقلاب اداری
۲۱۵	فصل هشتم: آزادی زنان
۲۲۳	فصل نهم: مبارزه با تورم، سوداگری و فساد
۲۲۹	فصل دهم: بنیاد پهلوی دارایی شخصی من
۲۴۵	فصل یازدهم: به سوی تمدن بزرگ
۲۵۷	فصل دوازدهم: ارتش ایران در سال ۱۳۶۲
۲۷۳	فصل سیزدهم: مبانی سیاست خارجی ایران
۲۹۱	فصل چهاردهم: بزرگان جهان ما
۳۱۳	فصل پانزدهم: راه تحقق دموکراسی شاهنشاهی
۳۱۹	فصل شانزدهم: کامیابی‌ها و ناکامی‌های ما
۳۳۵	قسمت چهارم: اتحاد لعنتی سرخ و سیاه
۳۳۷	فصل یکم: نقش وسایل ارتباط جمعی
۳۵۱	فصل دوم: شاگردان جادو
۳۵۵	فصل سوم: عزاداری‌های پیاپی و جنایت آبادان
۳۷۳	فصل چهارم: حقایق درباره سازمان اطلاعات و امنیت کشور
۳۹۵	فصل پنجم: تدارک برای ویرانی ایران
۴۰۵	فصل ششم: نخست‌وزیری بختیار و مأموریت شگفت‌انگیز ژنرال هایزر
۴۲۵	فصل هفتم: جلای وطن
۴۳۳	فصل هشتم: حکومت وحشت
۴۶۷	فصل نهم: دروغ‌پردازی‌ها، ناکامی‌ها، ورشکستگی
۴۷۷	پایان سخن

محمدرضا پهلوی، پادشاه ایران که موج توفنده احساسات ضد سلطنت ناچارش کرده بود از ایران خارج شود، در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ / ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ با چشم گریان در فرودگاه مهرآباد از گروه معدودی از آخرین بقایای شوکت و دبدبه و کبکبه‌اش، درباریان و ژنرال‌های مانده در کشور خداحافظی کرد و به سوی هواپیمای سلطنتی رفت.

در میان مشایعین، آخرین نخست‌وزیر شاه، دکتر شاپور بختیار، دیده می‌شد؛ مردی که در آن روزها بسیاری از شاهدان ماجرا او را کرنسکی ایران می‌خواندند.

نام شاپور بختیار تنها از دو ماه پیش بر سر زبان‌ها افتاده و از شانزدهم دی ماه یعنی کمتر از ده روز قبل از خروج شاه، مسئولیت نخست‌وزیری را پذیرفته بود.

۱. کرنسکی (Kerensky) یکی از سه نخست‌وزیر روسیه در فترت بین انقلاب مارس ۱۹۱۷ و اکتبر ۱۹۱۷، عضو حزب سوسیال دمکرات، ابتدا وزیر دادگستری، سپس نخست‌وزیر و انقلابی معتدل بود، چون تزار نیکلای دوم خلع شد و سلطنت برادر او گراندوک میخائیل نیز ممکن نشد (تزار به دلیل بیماری هموفیلی پسرش آلکسی درخواست کرد او را از ایفای وظایف جانشینی شاه معاف دارند) درصدد برآمد با کمک رودزبانکو رئیس مجلس شورای ملی (دوما) یک رژیم جمهوری به وجود آورد، اما شورش کمونیستی در ماه اکتبر به حکومت کوتاه‌مدت او خاتمه داد و کرنسکی از کشور گریخت. کرنسکی درصدد بیرون فرستادن تزار نیکلای و خانواده‌اش از روسیه به خارج بود، اما دولت انگلستان، با آنکه تزار نسبت خانوادگی با خاندان سلطنتی انگلستان داشت، پناهندگی او و خانواده‌اش را نپذیرفت و تزار و ملکه و فرزندانش مدتی در شهر یکتاترین‌بورگ اقامت گزیدند تا اینکه حکومت کرنسکی واژگون شد و دولت بلشویک بر سر کار آمد و در تابستان ۱۹۱۸ به‌دستور لنین، بلشویک‌ها کلیه اعضای خانواده تزار را تیرباران کردند.

شاه در مقابل دوربین فیلم برداران و عکاسان انگشت شماری که به آن‌ها اجازه ورود به فرودگاه داده شده بود، ایستاد و در پاسخ خبرنگار رادیوتلویزیون ملی ایران که از او درباره انگیزه و مدت سفر پرسید، با صدای گرفته و محزون علت مسافرت را استراحت و مدت آن را نه چندان طولانی اعلام داشت.

آنگاه رجال و درباریان و ژنرال‌ها که همه می‌گریستند، او را در میان گرفتند و طبق معمول به بوسیدن دستش پرداختند.

شاه از بختیار آخرین نخست‌وزیر منتخب خود نیز خداحافظی کرد.

اصرار شاه برای توقف در فرودگاه و اطلاع از اینکه مجلس شورای ملی به کابینه بختیار رأی اعتماد داده است، دست کم از دیدگاه تاریخ عجیب می‌نمود و تازگی داشت. گفتی شاه در این لحظات آخری که در ایران به سر می‌برد، قصد داشت با این کار خود و در حقیقت با این زست تازه احترام گذاردن به مجلس و نظرات آن، بگوید که همیشه به قانون مشروطه مصوب ۱۲۸۵ ه. ش. / ۱۹۰۶ میلادی احترام می‌گذارد.

در حقیقت شاه گویا خیلی دیر مطلع شده بود که ساختاری به نام مجلس شورای ملی پی گرفته از قانون اساسی ۱۲۸۵ ش. هم در کشور وجود دارد. مجلسی محتضر که در روز ۲۶ دی ماه سال ۱۳۵۷ به جنازه‌ای بی روح، اسکلت مرده‌ای که از اعماق گوری بیرون کشیده شود و عروسی زیر دست و پا رفته و له شده شباهت داشت و هیچ کس احترام و اعتباری برای آن قائل نبود. کما اینکه در ظرف دو هفته بعد، عده زیادی از نمایندگان آن مجلس مستعفی شدند و کوشیدند تا خود را از برابر توفان توفنده انقلاب کنار بکشند.

شاه در کتاب پاسخ به تاریخ صحنه فرودگاه را در لحظات واپسین حضور خود در ایران به خوبی مجسم کرده است.

فرودگاه مهرآباد که شاه از سال ۱۳۲۱^۱ تا ۱۳۵۷ صدها بار با جبروت و هیبت، نخست

۱. اولین سفرهای هوایی شاه در داخل کشور از سال ۱۳۲۱ ه. ش آغاز شد. شش ماه پس از آغاز سلطنت، البته در اوایل فرودگاه نظامی قلعه مرغی نیز اهمیت مهرآباد را داشت اما به تدریج مهرآباد به صورت

در قسمت قدیمی و از سال ۱۳۳۷ در قسمت جدید آن مورد استقبال یا مشایعت قرار گرفته بود، اینک به گورستان غم‌انگیز و خلوت هواپیماهایی تبدیل شده بود که خلبانان آن در حال اعتصاب به سر می‌بردند.

بیرون از فرودگاه که در محاصرهٔ تانک‌ها و کامیون‌های حامل سربازانِ تفنگ‌ز ۳ به‌دست قرار داشت، میلیون‌ها ایرانی لبریز از انتظار و شوق و شعف لحظات رفتن شاه را دقیقه‌شماری می‌کردند.

تعداد کسانی که از رفتن شاه اندوهگین بودند، در میان میلیون‌ها ایرانی مخالف و مرگ بر شاه گو، بسیار ناچیز بود.

بیشتر آنان کسانی بودند که با رفتن شاه و نگون‌سازی سلطنت، منافع سرشار نامشروع، موقعیت‌های عالی و کم‌نظیر، و مقامات مهمی را که در پرتو حکومت شاه و از طریق زد و بند و آشنایی‌های خانوادگی و بوروکراسی فاسد دولتی به‌دست آورده بودند، از کف می‌دادند. شاه و فرح همسرش، که با کلاه زمستانی و مانتو و چکمه، کاملاً شبیه یک خانم اشرافی اروپایی بود، سوار هواپیما شدند.

هنگامی که هواپیما با غرش و رعد آسای خود روی باند فرودگاه پیش می‌رفت، شاه به سال ۱۳۳۲ می‌اندیشید. آن سال نیز با نومیدی کامل و از فرودگاه درجهٔ ۳ رامسر از ایران خارج شده بود، اما با تلنگر سیا (C.I.A) و با کمک طرفداران نه‌چندان کمی که در ایران داشت، به‌نحوی شگفت‌انگیز و باورنکردنی به ایران بازگشته و بر تخت سلطنت نشست. اما این بار شانس او تقریباً صفر بود. حتی حامیان امریکایی‌اش نیز دیگر از او روی برگردانده بودند. تعداد کل طرفداران او در میان ملت به کمترین حد کاهش یافته بود. هیچ‌کس حاضر نبود به‌خاطر او به استقبال خطر بشتابد.

ساعاتی بعد سفارت امریکا در تهران تلکس زیر را به واشنگتن مخابره کرد:

مشهورترین فرودگاه کشور درآمد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اهمیت این فرودگاه بیشتر شد و حدود چهار سال بعد تأسیسات و باند‌های پرواز جدید آن احداث گردید.

سند شماره ۲-۴

تاریخ: ۱۶ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۶ دی ۱۳۵۷

شماره: ۷۹۲

از: سفارت امریکا در تهران

به: وزارت خارجه در واشنگتن دی - سی

موضوع: عکس العمل نسبت به عزیمت شاه

۱- پس از انتشار خبر عزیمت شاه از طریق رادیوی ملی کشور، شهر تهران یکپارچه دستخوش احساس و عاطفه گشته است. موتورسوارها با چراغ‌های روشن و بوق‌زنان در خیابان‌های شهر به راه افتاده‌اند. افراد جوان به این سو و آن سو می‌دوند در حالی که خبرها را روی پوستره‌های دست‌ساز نوشته و آماده برگزاری تظاهرات می‌شوند.

۲- تا ساعت ۱۶ مردم هنوز هم در حال رقص و پایکوبی بوده و گزارشی در مورد وقوع خشونت و درگیری دریافت نکرده‌ایم. خیابان مقابل سفارت مملو از ماشین‌هایی است که بوق‌های خود را به صدا درآورده و یا در نقطه‌ای پارک کرده یا حلزون‌وار در میان ترافیک سنگین به سمت شرق در حرکت می‌باشند. گرچه سر و صدای بسیاری به راه افتاده‌اند ولی سفارت هدف یا آماج احساسات آن‌ها قرار نگرفته است...

چند ساعت بعد شاه و فرح و همراهان آن‌ها در فرودگاه آسوان از هواپیمای خود خارج شدند و مورد استقبال رسمی انورالسادات رئیس جمهوری مصر قرار گرفتند. سفارت امریکا در قاهره گزارش داد که «مطبوعات مصر به جنبه مردمی و رسمی استقبال سادات از شاه تأکید کرده و سعی دارند سادات را دوست زمان تنگدستی شاه معرفی کنند... جناح چپ و جناح راست مذهبی مصر به ورود شاه به مصر اعتراض کرده‌اند... مسلمانان مصر علاقه‌ای به شاه ندارند و مایلند که هرچه زودتر شاهد عزیمت او از مصر باشند. قرار است روز جمعه سادات به خارطوم (سودان) پرواز کند، پیش‌بینی می‌شود مدت اقامت شاه در مصر طولانی نخواهد بود.»

همان روز رادیو مسکو سکوت خود را در مورد شاه شکست و اظهار داشت شاه مانند یک بزهکار محکوم در حال فرار وارد آسوان شد.